



Explanation and Analysis of the course of scientific communication between Isfahan and Basra scientists in the first three centuries of Hijri with emphasis on Hadith science

Maryam Parvinain¹ Aaghar Montazerolghaem^{2✉} Ali Akbar Abbasi³

1. Ph. D. student in Islamic History, Department of History, Faculty of Literature and Humanities University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: maryam.parvinian@yahoo.com

2. (Corresponding Author) Professor of Islamic History, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: montazer@ltr.ui.ac.ir

3. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities University of Isfahan Isfahan, Iran. Email: aa.abbasi@ltr.ui.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 12Octo2022

Received in revised

form: 1Febr2023

Accepted: 26Febr2023

Publishedonline: 8April2023

Key word :

Basra,

Isfahan,

Muhaddith,

Science of cutting and

adjusting,

Scientific communication,

Hadith.

ABSTRACT

Hadiths are the basis of narrative sciences. Hadith scholars traveled to important cities in Islamic civilization to acquire this knowledge. Basra was one of the important centers of Islamic sciences in this field. In this research, we try to evaluate the motivation of Isfahan's scholars to travel to Basra and the results of this communication. In this research, with the library method and data analysis in religious sources, it will be discussed how the Muhaddiths of Isfahan and Basra communicate. The questions that are raised are: What factors were effective in attracting the scholars of Isfahan to Basra? What effect did the scientific trips of Isfahan's hadith scholars to Basra and the use of visual scholars' knowledge leave on the hadith flow of Isfahan? Important factors such as the similarity of the intellectual and scientific atmosphere of Isfahan and Basra in the early centuries, which were the defenders of Sunnis, the geographical and scientific location were effective in this connection. The special feature of Basra, such as the presence of numerous Companions, hadith memorizers, and the presence of numerous and reliable narrators in the Sahah of the Sunni sect, became an important motivation for the scholars of Isfahan to use the knowledge of Basra. The analysis of Rijali sources shows that due to the connection between Isfahan's Muhaddithists and the famous Sheikhs of Basra, the Hadith flow of Basra, with the characteristic of emphasizing the criticism and modification of the narrators, had an impact on Isfahan's hadith science. The records of the narrators of Isfahan show that the influence of the visual masters can be seen in the sources of Rizal and the series of records of the Muhaddithians of Isfahan until the following centuries.

Cite this article: Parvinain, Maryam Montazerolghaem, Aaghar & Abbasi, Ali Akbar (2023). Explanation and Analysis of the course of scientific communication between Isfahan and Basra scientists in the first three centuries of Hijri with emphasis on Hadith science. Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 17, No.32 Pages:93-117.

DOI: 10.22111/JHR.2023.43153.3421



© The Author: Maryam Parvinain & Aaghar Montazerolghaem & Ali Akbar Abbasi
 Publisher: University of Sistan and Baluchestan



تبیین و تحلیل سیر ارتباط علمی دانشمندان اصفهان و بصره در سه قرن اول هجری با تاکید بر علم حدیث

مریم پروینیان^۱ ID اصغر منتظرالقائم^۲ ID علی اکبر عباسی^۳ ID

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران رایانامه: maryam_parvinian@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول) استاد گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران رایانامه: [.montazer@ltr.ui.ac.ir](mailto:montazer@ltr.ui.ac.ir)

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران رایانامه: aa.abbasi@ltr.ui.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

احادیث پایه و اساس علوم نقلی بوده و محدثان در ازمنه گذشته تاریخ اسلام برای دستیابی به این دانش به شهرهای مهم در تمدن اسلامی مسافرت کردند. بصره از مراکز مهم علوم اسلامی در این زمینه شهرت بسیاری داشت و از سویی نیز اصفهان به عنوان یکی از مراکز مهم حدیثی با بصره ارتباط علمی داشت. این پژوهش بر آن است که انگیزه سفر محدثان اصفهانی به بصره را همراه با نتایج این ارتباط مورد ارزیابی قرار دهد. این پژوهش که با روش کتابخانه‌ای و بررسی داده‌ها در منابع رجالی به چگونگی ارتباط محدثان اصفهان و بصره پرداخته است به سوالاتی نظیر این موارد روبرو است که: چه عواملی در جذب محدثان اصفهان به بصره موثر بوده است؟ و از سویی، این مسافرت‌های علمی محدثان اصفهانی به بصره چه تاثیری بر جریان حدیثی اصفهان داشته است؟ در پاسخ به این سئوالات فرض تحقیق بر این قرار می‌گیرد که عوامل مهمی چون تشابه فضای فکری و علمی اصفهان و بصره در قرون اولیه، در دفاع از تفکر اهل سنت، موقعیت جغرافیایی و علمی، ویژگی خاص بصره همچون حضور صحابیان متعدد، حافظان حدیث، حضور راویان فراوان و معتبر در صحاح سته اهل سنت، انگیزه مهمی برای محدثان اصفهان در بهره‌گیری از دانش بصره بود و در مرتبه دوم نیز بررسی منابع رجالی نشان می‌دهد که به دلیل ارتباط محدثان اصفهان با مشایخ مشهور بصره جریان حدیثی بصره با ویژگی تاکید بر جرح و تعدیل راویان، در علم حدیث اصفهان تاثیرگذار شد و اسناد راویان اصفهان نشان می‌دهد که تاثیر استادان بصری در منابع رجال و سلسله اسناد محدثان اصفهان تا قرون بعد نیز دیده می‌شود.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۱۹

واژه‌های کلیدی:

بصره،

اصفهان،

محدثان،

علم جرح و تعدیل،

ارتباط علمی،

حدیث.

استناد: پروینیان، مریم و منتظرالقائم، اصغر و عباسی، علی اکبر (۱۴۰۲) تبیین و تحلیل سیر ارتباط علمی دانشمندان اصفهان و بصره در سه قرن اول هجری با تاکید بر علم حدیث، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، بهار و تابستان ۱۴۰۲، دوره ۱۷، شماره ۱ - شماره پیاپی ۳۲، ص ۹۳-۱۱۷.

DOI. 10.22111/JHR.2023.43153.3421

© نویسندگان . مریم پروینیان و اصغر منتظرالقائم و علی اکبر عباسی

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان



مقدمه

علم حدیث شریفترین و شاخص‌ترین علوم در تمدن اسلامی محسوب می‌گردد (خطیب بغدادی، ۱۳۹۵: ۶، ۱۵). از آنجا که حدیث نزد مسلمانان ارزشمند بود محدثان و مشایخ حدیث از نظر مقام و جایگاه در جامعه جزو برجسته‌ترین و بالاترین گروه‌ها قرار می‌گرفتند (متز، ۱۳۶۴: ۱، ۲۲۱). با شروع فتوح در سرزمین‌های جدید و آشنایی با اقوام دیگر، نیاز به آموزش قرآن و احکام دین به ساکنان مناطق مفتوحه ضروری شد. برخی اصحاب حضرت محمد (ص) به مناطق مفتوحه مهاجرت کردند. آنها به آموزش آموزه‌های اسلام به تازه مسلمانان پرداختند (خطیب بغدادی، ۱۳۹۵: ۱۴۸). علاقمندان فراگیری دانش حدیث برای فراگیری احادیث حضرت محمد (ص) از صحابه یا تابعین، به مکان سکونت صحابه پیامبر (ص) سفر کردند و در محضر آنان، به سماع حدیث پرداختند. این مسافرت‌ها به رحله علمی در تمدن اسلامی معروف شد که محدثان می‌توانستند با سفر به مناطق مختلف و دیدار صحابه و تابعین و مشایخ و اساتید معروف، بر وسعت دانش خود بیفزایند. انتقال دانش حدیث، نسخه‌ها و آثار بسیار به مراکز و مناطق مفتوحه از امتیاز این سفرها بود. برخی از استادان و مشایخ حدیث برای دستیابی به منابع کهن به شهرهای مهم اسلامی همچون مکه، مدینه، بصره، کوفه و شام سفر کردند و در رسیدن به این دانش سفرها و رنج‌های بسیاری را تحمل کردند (ابن خلدون، ۲۰۱۰: ۲، ۲۴۲). از آنجا که احادیث بسیاری در مورد فضیلت کسب علم وجود داشته‌است و مشوقی برای رحله‌های علمی بود (کلینی، بی تا: ۲، ۳۴).

از شهرهایی که در این مقاله مورد توجه قرار خواهد گرفت ارتباط محدثان دو شهر بصره و اصفهان می‌باشد. هدف از این سفرها فراگیری حدیث و اطمینان یافتن از درستی حدیثی بود که شنیده بودند. آنجا به عنوان پایگاه نظامی احداث شد و حضور مسلمانان و صحابه منجر به توجه به دانش حدیث شد. با مهاجرت صحابه به مراکز مفتوحه دانش حدیث بسیار مورد توجه قرار گرفت. اما در این دوره گروهی از محدثان و عالمان بصری به سند حدیث اهمیت نمی‌دادند و به هر حدیثی حتی مرسل اعتماد می‌کردند. گروه دیگر به افرادی بودند که به سند حدیث اهمیت می‌دادند و هر حدیثی را قبول نمی‌کردند و برای به دستیابی به حدیث صحیح به مسافرت پرداختند تا از موثق بودن راویان آن مطمئن شوند. بصره به دلیل موقعیت علمی که به دست آورده بود از

جمله مراکز مورد توجه محدثان سراسر تمدن اسلامی شد. اصفهان نیز از مراکز حدیثی محسوب می‌شد و محدثان اصفهانی برای به دست آوردن دانش حدیث به بصره سفر کردند. آنچه که در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت، عواملی موثر در جذب محدثان و عالمان اصفهان به بصره و نتیجه‌ی ارتباط علمی محدثان بصره و اصفهان بر جریان حدیثی اصفهان خواهد بود. بنابراین هدف در این پژوهش بررسی این ارتباطات و میزان نفوذ دانش حدیثی بصره در بین محدثان اصفهان است. در بررسی این تاثیرات باید عواملی همچون موقعیت جغرافیایی و اقتصادی و به دنبال آن مشخصه‌ی علمی بصره، تشابه فضای فکری مذهبی اصفهان و بصره، جریان توجه به علو اسناد مورد توجه قرار گیرد. در ادامه باید به بررسی محدثان تاثیرگذار بر اصفهان از جمله یحیی بن قطان، ابوداود طیالسی، بکر بن بکار، ابوحنیفه عمرو بن علی فلاس، حمید بن مسعود و برخی دیگر پرداخت و شاگردان اصفهانی آنها را جستجو کرد و به نتیجه قابل قبولی دست یافت. پس از آن می‌توان میراثی را که دانش حدیث بصره به اصفهان انتقال داد، دریافت.

پیشینه پژوهش: در مورد ارتباط علمی اصفهان و بصره در زمینه دانش حدیث مقاله و پژوهشی صورت نگرفته است. اما به طور جداگانه تحقیقاتی در مورد بصره و اصفهان انجام شده است. هوشمند (۱۳۸۰) مقاله‌ای با عنوان پژوهش‌های حدیثی در بصره تا قرن سوم به نگارش درآمده است که تنها به شهر بصره پرداخته شده است. امین قضاة (۱۴۱۹) کتابی با عنوان مدرسه الحدیث فی بصره حتی القرن ثالث تألیف کرده است و در این منبع به برخی ارتباطات بصره با شهرهای دیگر پرداخته است. همایی در مورد اصفهان نیز کتابی تحت عنوان رجال و دانشمندان اصفهان (۱۳۹۶) به نگارش درآمده است که به دانشمندان علوم مختلف پرداخته و تنها به ذکر نام دانشمندان اصفهان و توضیح مختصر درباره آنها اکتفا کرده است. در صورتی که هدف در این پژوهش بررسی تاثیرات ارتباط محدثان بصره و محدثان اصفهان با یکدیگر و میزان نفوذ دانش حدیثی بصره در اصفهان می‌باشد که هیچ یک از مطالعات ذکر شده به بررسی این جنبه از روابط اصفهان و بصره پرداخته‌اند.

موقعیت جغرافیایی و اقتصادی بصره:

بصره از موقعیت مناسب جغرافیایی و اقتصادی برخوردار بود و یکی از پادگان‌های نظامی و مرزی برای فتح ایران بود. در تاریخ تأسیس این شهر اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای بر این باورند بصره در سال چهاردهم قمری به دستور عمر و به وسیله عتبۀ بن غزوان ساخته شد (طبری، ۱۳۸۷: ۳، ۵۹۰). در سال ۵۱۷ هجری قمری (۵۵۲ م) نخستین صحابه مقیم این شهر بود (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲، ۲۳۶: ذهبی، ۱۴۱۳: ۲، ۳۸۲). در بصره اقوام و قبایل مختلف ساکن بودند و در ابتدا از لحاظ اقتصادی رونق نداشت. پس از آن با اقدامات عبدالله بن عامر بن کریز و سپس حجاج بن یوسف ثقفی بصره در ردیف مناطق آباد قرار گرفت. در پی رشد جمعیت بصره و اقدامات کارگزاران آن، قسمت شرق ایران تا نواحی خراسان نیز فتح شد. این فتوح منجر به افزایش درآمد و رشد و شکوفایی اقتصادی بصره شد. مردم بصره زندگی مرفه‌تری را به دست آوردند. البته وجود برخی قیامها باعث ایجاد بحران‌های اقتصادی برای بصره شد. اما به طور کلی درآمد زمینهای حاصلخیز و ایجاد پل و سایر اقدامات عمرانی و سرکوب راهزنان در ایجاد امنیت و رونق تجارت موثر بود (صالح، ۱۹۵۳: ۷۰). موقعیت جغرافیایی بصره که در کنار دریا بود بازرگانان و سوداگرانی از هند، ایران، یونان و دیگر سرزمین‌ها را به خود جلب کرد و سکونت اقوام مختلف منجر به نفوذ فرهنگ‌های متفاوتی در این شهر شد (صالح، ۱۹۵۳: ۷۰؛ احمد، ۱۳۸۴: ۳۷۷). همه این موارد سبب توجه اصفهانیان به بصره شد. به طوری که گروهی از اهالی اصفهان که در بصره سکونت داشتند، با اساوره متحد شده بودند (بالذری، ۱۹۸۸: ۳۵۵). اصفهان در آغاز فتوح مسلمانان جزو مناطق تحت سلطه بصره بود.

شباهت وضعیت فکری و مذهبی بصره و اصفهان:

از لحاظ وضعیت مذهبی و فکری بین بصره و اصفهان شباهت‌هایی وجود داشت. اهالی اصفهان به کتاب و سنت و مذهب حنبلی پای‌بند بودند. از علل این جو غالب می‌توان به این مسائل اشاره کرد: اصفهان به عنوان یک ولایت مهم و استراتژیک تحت سلطه عاملان مخصوص امویان و عباسیان بود که نتیجه آن، مستحکم شدن اهل سنت در اصفهان بود. افرادی همچون صالح

بن احمد بن حنبل (م ۲۴۵هـ) یک سال به عنوان قاضی در اصفهان اقامت کرد و به ترویج مذهب پدرش پرداخت (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱، ۳۸۴). پس از او ابوبکر بن ابی عاصم بصری که در مذهب اهل سنت بسیار مشهور بود در اصفهان سِمَت قضاوت داشت (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱، ۱۰۰). محدث مشهور ابومسعود رازی مقیم اصفهان بود. از اقدامات ابومسعود رازی شرکت در مناظره ابوالولید کنانی بود که به برتری حضرت علی (ع) بر شیخین اعتقاد داشت. او پس از مناظره با ابوالولید ردیه‌ای بر او نوشت. همچنین ابومسعود شاگردان بسیاری در اصفهان تربیت کرد که در منابع به پنجاه و سه نفر آنها اشاره شده است و در مجالس درس که در مسجد برگزار می‌کرد احادیث بسیاری برای مردم بیان کرد (مهدوی، ۱۳۷۹: ۸۵). عمر بن نصیر اصفهانی (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱، ۳۵۶)، ابواحمد عسال (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴، ۲۲۷) محمد بن ابراهیم آزادانی (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲، ۲۷۹) و . . . از نمونه این شاگردان بودند. خاندان ابن‌منده از خاندان‌های دانش‌پرور و دوستدار علم و از حامیان مذهب حنبلی در اصفهان بودند که از قرن سوم تا اوایل قرن ششم هجری نقش موثری در وضعیت علمی اصفهان بر جای گذاشتند (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲، ۲۲۲: ابن‌خلکان، ۱۹۰۰: ۶، ۱۶۸). در منابع تاریخ محلی که در اصفهان تالیف شد محدثان بسیاری نیز ذکر شده‌اند که تعداد آنها در طبقات‌المحدثین از حافظ ابوشیخ اصفهانی به ششصد و نود (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱، ۱۱۷) و در ذکر اخبار اصفهان ابونعیم اصفهانی هزار و نهصد و بیست و دو محدث است (اصفهانی، ۱۴۱۰: ۲، ۳۴۶). اکثریت این محدثان از پیروان اهل سنت بودند. این نشانه‌ها باعث شده که مقدسی مردم اصفهان را اهل سنت و جماعت معرفی کند و آنان را حنبلیانی متعصب توصیف کند (مقدسی، ۱۴۱۱: ۳۹۹). البته شیعیان و سادات نیز در اصفهان حضور داشتند ولی به دلیل اکثریت اهل سنت شیعیان کمتر در جامعه نمود داشتند.

در بصره مذهب اهل سنت حاکم بود. در منابع مختلف آمده است که در قرون نخستین این شهر عثمانی مذهب بوده و با امامت علی (ع) مخالفت می‌کرد. اصمعی معتقد است که کل بصره عثمانی مذهب است (ابن‌عبدربه، ۱۴۰۴: ۷، ۲۷۵). حماد بن سلیمان نیز بر این باور است این شهر عثمانی بوده است. او می‌گوید: «بصره قطعه‌ای از شام است که در میان ما فرود آمده است» (ابن‌سعد،

۱۴۱۰: ۶، ۳۲۵). ماسینیون می‌گوید: «بصره موطن اهل جماعت بود» (ماسینیون، ۲۰۰۹: ۲۶). به روایت مقدسی در قرن چهارم در کنار سایر مذاهب، حنبلیان نیز در این شهر حضور داشتند (مقدسی، ۱۴۱۱: ۱۲۶). با وجود حاکمیت حاکمان عثمانی، شیعیان نیز نفوذ خود را در بصره به دست آوردند. مقریزی سخن مقدسی را در مورد حضور شیعیان تأیید می‌کند (مقریزی، ۱۴۱۸: ۴، ۱۹۱). نتیجه این که در قرن چهارم عده‌ای از ساکنان بصره شیعی مذهب بوده‌اند، ولی به سبب سیطره عثمانیان در فشار بودند. از مجموع مطالبی که در مورد فضای مذهبی و فکری بصره و اصفهان ذکر شد می‌توان تشابه مذهبی و غلبه اهل سنت را در بین آنها مشاهده کرد.

وضعیت علمی بصره:

بصره از مراکز مهم علمی بود. ابوموسی اشعری (م ۵۲هـ) از نخستین صحابه‌ای بود که با اقامت در بصره با آموزش فقه و حدیث تأثیر بسیاری بر افکار و عقاید مردم بصره داشت (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲، ۲۳۶: ذهبی، ۱۴۱۳: ۲، ۳۸۲). کسانی که به دنبال فراگیری احادیث بودند به مکه، مدینه، بصره، کوفه، مصر و شام سفر می‌کردند. در بین این مراکز بصره به دلیل نزدیکی به ایران بیشتر مورد توجه قرار گرفت. با وجود شهرت سایر مراکز علمی، بصره از مراکز مهم ناقلان حدیث بود (ابن خلدون، ۱۴۲۶: ۲، ۱۲۳). بصره در علوم چون نحو، حدیث، قرائت، شعر، تصوف از مراکز علمی مشهور بود. اما در زمینه علم نحو نسبت به کوفه مهمتر بود و ابوالاسود دوئلی از سرآمدان این علم در بصره بود (ابن خلدون، ۲۰۱۰: ۲، ۲۵۰). با توجه به این که دانش حدیث اساس سایر علوم نقلی می‌باشد، در بصره نیز این دانش جایگاه برجسته‌ای داشت. پرداختن به دانشمندان علوم مختلف در بصره فرصت زیادی می‌طلبید. در اینجا فقط به محدثان برجسته خواهیم پرداخت و در ادامه در این زمینه مطالب بیشتری خواهد آمد.

اهمیت دانش حدیث نزد محدثان بصره و اصفهان

دستیابی به دانش حدیث و رسیدن به مرحله استادی با سفر میسر می‌شد. علم حدیث نیز به صورت مستقل پس از قرن چهارم اهمیت خود را از دست داد. زمانی که باب اجتهاد بسته شد، پیروی فزاینده از مشایخ قرن سوم که شایسته تقلید بودند، اجتناب‌ناپذیر بود (موتسکی، ۱۳۸۹: ۳۸۹).

۱۰۷). دانش حدیث و مدرسه حدیثی بصره ویژگی‌هایی داشت که نشان از رونق و اهمیت دانش حدیث در آن بوده‌است. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. حدیث پژوهی در بصره در کنار سایر دانش‌ها، رشد بیشتری داشت، زیرا متکی به آراء و نظرات علمای هر دوره بود و همواره در حال پیشرفت و تحول بود. یکی از نیازهای ضروری برای علم حدیث سفر به مناطق دیگر و مطلع شدن از نظرات دیگر عالمان و محدثان بود. مدرسه حدیث بصره به ۱۶۰ صحابه در این شهر ارتباط داشت (هوشمند، ۱۳۸۰: ۱۳۳). ۲. بصره در تعداد حفاظ حدیث شهرت داشت. تعداد این حافظان را هفتصد و پنجاه نفر ذکر کرده‌اند. این افراد نقش مهمی در مدرسه حدیث بصره داشتند (قضاة، ۱۴۱۹: ۱۵۱-۲۰۸). آنها از اجزای اساسی و بنیادین این مکتب بودند به طوری که آنها را حاملان علم نبوی و موثق در جرح و تعدیل حدیث به شمار آورده‌اند (سیوطی، ۱۳۹۲: ۱). ۳. تعداد راویان بصری در کتب صحاح سته بسیار بود و تعداد آن به ۹۵۸ راوی رسیده‌است (قضاة، ۱۴۱۹: ۲۱۰-۳۵۲). ۴. کتاب‌های بسیاری در بصره در زمینه شاخه‌های علم حدیث تدوین شد. شاخه‌های این رشته شامل تالیف مُسندها، کتابهای شناخت صحابیان، طبقات و کتابهای جرح و تعدیل بود (هوشمند، ۱۳۸۰: ۱۳۳). ۵. بیشتر تلاش بصریان در مورد جستجو از علت حدیث و صحت و سقم آن بود به طوری که برخی از آنها اعتقاد داشتند که شناخت یک حدیث معلول و مجعول از نوشتن بیست حدیث، پسندیده‌تر می‌باشد. محدثان بصره در جرح حدیث بسیار سختگیر بودند. علت آن بود که سختگیری شعبه بن حجاج استاد مدرسه حدیث بصره بود و سختگیری او به اعتقاد برخی محدثان افراطی بود تا جایی که به او طعنه می‌زدند. به همین علت در بصره دو روش وجود داشت. یکی روش افراطی شعبه بن حجاج و یحیی قطان از محدثان بصری و دیگری روش متعادل عبدالرحمن بن مهدی و علی بن مدینی بود (هوشمند، ۱۳۸۰: ۱۳۱).

اصفهان هم از لحاظ تعداد محدثان و دانشمندان و طالبان علم، وضعیت مناسبی داشت. نام بسیاری از محدثان در طبقات المحدثین و ذکر اخبار اصفهان به چشم می‌خورد. از انواع نگارش‌های حدیثی، مسند نویسی بیشتر رواج داشت. با بررسی اساتید محدثان و مشایخ اصفهان در قرن

سوم و چهارم در تاریخ اسلام ذهبی از جلد ۱۴- ۲۷ که شامل وفیات سالهای ۲۰۱-۴۰۰ هـ می‌شود، رحله‌های علمی دانشمندان اصفهان به هشتاد و هشت رحله هم رسیده بود(ذهبی، ۱۴۱۳: ۱۴، ۷۸، ۲۷، ۳۶۵). این مساله دلیل محکمی برای اثبات فرابومی بودن دانش حدیث در اصفهان بوده‌است. زیرا فقط به شهر خود اکتفا نکردند و از میراث و منابع بسیاری از مراکز علمی تمدن اسلامی استفاده بردند. در عین حال برخی آثار محدثان اصفهان در مناطق دیگر نیز مورد توجه قرار گرفت. فرابومی بودن دانش حدیث نتایجی را با خود به همراه آورد. ارتباط اصفهان با سایر مراکز مهم علمی باعث تغییر در علوم و عقاید جامعه شد که خود بیانگر رونق دانش حدیث در اصفهان است.

تأثیرات محدثان بصره بر جریان حدیثی اصفهان:

در ارتباط علمی بین بصره و اصفهان، برخی مشایخ بصره به اصفهان سفر کردند. در منابع رجالی از جمله تاریخ اسلام ذهبی ضمن وفیات سالهای ۲۴۱-۳۲۰ هـ صد و سی و پنج محدث بصری را ذکر کرده‌است که شاگردانی از اصفهان داشته‌اند. بر اساس بررسی در این کتاب، محدثان اصفهان، محدثان بصره را به عنوان شیخ خود انتخاب کرده و از آنها بهره علمی برده‌اند. پیشینه دانش جرح و تعدیل را در اصفهان دارای سابقه بود. آنها با نگارش معجم شیوخ نسبت به وثاقت روایات توجه می‌کردند. در پی این تلاش‌ها بود که یاقوت حموی دانش حدیث اصفهان را به علو اسناد توصیف کرده‌است که می‌توان تأثیر تأکید بر موقوف بودن احادیث از بصره و برخی مراکز دیگر را از این منابع دریافت(حموی، ۱۳۹۹: ۱، ۲۰۹). از بین این محدثان چند نفر با اقامت در اصفهان و ارتباط علمی با محدثان این شهر کوشیدند که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد. پیش از آن اشاره به مهمترین خصوصیت در مکتب حدیث بصره ضروری می‌باشد.

پیشینه جرح و تعدیل راویان را باید از همان هنگامی جست‌وجو کرد که در تاریخ حدیث پدیده اسناد اهمیت یافته است. علت توجه به تضعیف یا توثیق راویان، حفاظت از دین اسلام بود. اگر وضعیت راویان مشخص نمی‌شد بسیاری از احادیث کاذب در احادیث صحیح وارد می‌شد. در پی آن حلال و حرام مخلوط می‌شد. علت دیگر این بود که پس از عصر صحابیان و اختلاف آنها با

یکدیگر تعداد راویان ضعیف بسیار شد و اهمیت این مساله منجر به توجه به جرح و تعدیل راویان شد (جدیدی نژاد، ۱۳۸۱: ۲۹-۴۹). در اواخر سده نخست، پیش زمینه‌های «اسناد» در محافل اصحاب حدیث در عراق مطرح گردید و اعتبارسنجی راویان روی به اهمیت نهاد.

در راس جریان جرح و تعدیل بصره ابن سیرین (۱۱۰-۳۳ هـ) جای داشت. ابن سیرین از محدثان و فقهای نامداری بود که در زمینه حدیث دقت بسیاری داشت و هر حدیثی را قبول نمی‌کرد. او حدیث را دین می‌دانست و سفارش می‌کرد که بدانید دین خود را از چه کسی می‌گیرید (دارمی، ۱۴۳۴: ۱۷۸؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ۷، ۱۴۴: عقیلی، ۱۴۰۴: ۱، ۷). بنابراین برای ابن سیرین جرح و تعدیل راویان بسیار مهم بود. او سی نفر از اصحاب حضرت محمد (ص) را درک کرده بود (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۷، ۱۴۴). علت تأکید ابن سیرین بر اهمیت داشتن اسناد در حدیث این بود که برخی از محدثان در بصره اهمیت چندانی برای موثق کردن احادیث قائل نبودند. آنان به طور صریح بدون ذکر راویان، حدیث را از حضرت محمد (ص) روایت می‌کردند. شاگردان ابن سیرین به نقد راویان پرداختند. از آن جمله ایوب سختیانی (م ۱۳۱ هـ) با عبارتی چون فلان شخص «مستقیم اللسان نیست» برخی راویان حدیث را به نقد گرفت (رازی، ۱۲۷۱: ۲، ۱۸۰: خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۲، ۴۱۸). در نسل دوم اتباع، ایراد کردن بر شخصیت راویان یا جرح، به عنوان یک نیاز تلخ، ولی اجتناب‌ناپذیر در پیش روی ناقدان قرار گرفت.

در بصره، شعبه بن حجاج (م ۱۶۰ هـ) به بررسی و شرح احوال راویان پرداخت و محدثان عراق از او تبعیت کردند (ابن حبان، ۱۳۹۳: ۶، ۴۴۶: ابن منجویه، ۱۴۰۷: ۱، ۲۹۹). او شیوه محتاط سختیانی را ادامه داد (عقیلی، ۱۴۰۴: ۳، ۲۴۶). به هر روی، شعبه بن حجاج آغازگر جریانی بود که پس از وی با یحیی قطان و در نسل‌های بعد با نقادان تندرو عراقی ادامه یافت (رازی، ۱۲۷۱: ۲، ۱۸۰، عقیلی، ۱۴۰۴: ۱، ۴). آنها به طور تخصصی به مطالعه علل الحدیث پرداختند. نام یحیی بن معین، علی بن مدینی و احمد بن حنبل در لیست منتقدان سنتی روایات پیوند خورده است و نظرات آنها تاثیرات بسیاری بر آیندگان داشت، زیرا اینان نمونه مشخص برای تاکید بر سنت و حدیث بودند و در زمره شاگردان محدثان بصری بودند (موتسکی، ۱۳۸۹: ۹۲). محدثان بصری در نسل بعدی

به طور تخصصی به مطالعه علل الحدیث پرداختند و در همین رابطه یحیی قطان و دیگر معاصران بصری او از جمله عبدالرحمن بن مهدی (م ۱۹۸ هـ) از عالمان فعال در سال‌های پایان قرن دوم هجری به عنوان مؤسس علم علل الحدیث و شناسایی رجال شناخته شده‌اند. ابن قطان از عالمان بصره و دنباله‌رو جریان فکری ابن سیرین و شعبه بن حجاج بود. زیرا پیروان مکتب ابن سیرین در بصره به همان اندازه در شکل‌گیری پدیده اسناد سهم داشتند، در شکل‌گیری مفهوم حدیث صحیح نیز محوریت داشتند (عقیلی، ۱۴۰۴: ۱، ۱۰۷).

محدثان بصری و شاگردان اصفهانی

برای معرفی شاگردان استادان بصری، طبقات المحدثین ابوشیخ اصفهانی (م ۳۶۹) و ذکر اخبار اصفهان ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰) به عنوان منبع پایه مورد استفاده قرار گرفته است. دانشمندان ذکر شده در این مقاله از این دو منبع می‌باشد و سال وفات آنها فراتر از وفات مولفان منابع ذکر شده نیست. وفات استادان بصری در قرن‌های دوم و سوم می‌باشد و محدوده زمانی حیات شاگردان اصفهانی آنها از قرن چهارم فراتر نمی‌رود.

باید خاطر نشان کرد از استادان بصری که از آنها یاد خواهد شد، تنها یحیی قطان، ابوداود طیالسی، حمید بن مسعده، ابوحفص فلاس و ابوبکر بن ابی عاصم به اصفهان سفر کردند و یحیی قطان تنها استاد بصری بود که در کنار املائی حدیث از محضر یک استاد اصفهانی بهره برد. دیگر بزرگان حدیث بصری در اصفهان فقط به تدریس پرداختند و با تربیت شاگردان اصفهانی در این دانش اصفهان تاثیرگذار بودند. محدثان اصفهان از اساتید دیگری چون عبدالرحمن بن مهدی، جهضمی، ابومسلم ابراهیم بصری در بصره دانش حدیث را فراگرفتند.

ابوسعید عبدالرحمن بن مهدی بصری (م ۱۹۸ هـ)

پیشوا و حافظ حدیث و قرآن بود. در اثبات این مدعا محمد بن یحیی ذهلی گفت: «در دست عبدالرحمن بن مهدی هرگز کتابی ندیدم» (خطیب‌بغدادی، ۱۴۱۷: ۱۰، ۲۴۵). در دانش حدیث مهارت بسیاری داشت. در زمینه دانش حدیث موثق‌تر از یحیی بن سعید و ماهرتر از وکیع بن جراح بود. وی شاگرد سفیان بود (رازی، ۱۲۷۱: ۵، ۲۹۰). اکثر عالمان آن زمان همتایی برای او

نمی‌دانستند. علم عبدالرحمن در حدیث مانند جادو و سحر بود (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۱۰، ۲۴۵). احمد بن حنبل، عبد الرحمن را از یحیی قطان، فقیه‌تر و مورد اعتماد، برگزیده و صدوق می‌دانست (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۱۰، ۲۴۱: رازی، ۱۲۷۱: ۵، ۲۹۰). عالمانی نیز بودند که میان رکن و مقام قسم یاد می‌کردند که کسی را عالمتر از عبدالرحمن بن مهدی نسبت به دانش حدیث نیافته‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۱۰، ۲۴۳). او و یحیی قطان بسیار درباره روایان بررسی و کاوش می‌کردند و ضعفای حدیث را کنار می‌گذاشتند (ابن حبان، ۱۳۹۳: ۸، ۳۷۳). ابونعیم اصفهانی، زندگی نامه مفصلی از ابن مهدی آورده است و ۲۸۰ حدیث از وی یاد کرده است (اصفهانی، ۱۳۹۴: ۹، ۳). معروف‌ترین شاگرد اصفهانی او، عبدالرحمن بن رسته (م ۲۴۶) بود و در اثر مصاحبت و ملازمت، سی هزار حدیث از عبدالرحمن بن مهدی فراگرفت (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲، ۱۰۹). موسی فرزند عبدالرحمن بن مهدی (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲، ۳۱۱) و ابوالحسن هارون بن سلیمان به اصفهان آمدند (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲، ۳۳۶). در سلسله اسناد روایان اصفهان از جمله محمد بن احمد ابهری، اسماعیل بن یوسف سمویه، احمد بن یحیی جروانی نام عبدالرحمن بن مهدی و . . . دیده می‌شود (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱، ۳۰، ۲۱۰، ۱۱۷).

یحیی قطان (م ۱۹۸ هـ)

یحیی قطان از اصلی‌ترین نظریه پردازان در مورد حدیث صحیح بود و نظرات او بر عالمان پس از خودش تأثیر قاطع و فراوانی داشت (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۱، ۱۶۰). او حافظ حدیث و از سرآمدان روزگار خویش بود و منتهای دقت خود را در شناخت روایان ثقه و ترک محدثان ضعیف به کار بست و کسانی چون احمد بن حنبل (م ۲۴۱ هـ) یحیی بن معین (م ۲۳۳ هـ) و علی بن مدینی (م ۲۴۳ هـ) از او علم حدیث را آموختند و او را بسیار ستایش کرده‌اند. احمد بن حنبل، یحیی قطان را بسیار تمجید کرده و او را امام زمان خود در دانش و حتی معصوم دانسته است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۱۴، ۴۲۷). یحیی نظر مساعدی نسبت به امام صادق (ع) نداشت و برای شخصیت و علم امام اهمیت و اعتباری قائل نمی‌شد و حدیث نقل نمی‌کرد (ذهبی، ۱۳۸۲: ۱، ۴۱۴) او سند حدیث منزلت را قبول نداشت (اصفهانی، ۱۳۹۴: ۹، ۴: خلیلی، ۱۴۰۹: ۲، ۵۱۸).

یحیی بن سعید قطان بصری به اصفهان آمد. استاد معروف و مشهوری از اصفهان به نام محمد بن یوسف معدان اصفهانی به یحیی دانش حدیث را آموخت که ظاهراً بیان کننده آشنایی قبلی او با اساتید اصفهان می‌باشد (اصفهانی، ۱۳۹۴: ۸، ۲۲۵: ذهبی، ۱۴۰۵: ۹، ۱۲۵). یحیی قطان با شهرتی که در دانش حدیث داشت محمد بن یوسف بن معدان را بی‌نظیر می‌دانست (خطیب‌بغدادی، ۱۴۱۷: ۴، ۴۰). شاگردان یحیی قطان در اصفهان تقریباً از حدود سال (۲۳۱-۲۶۰هـ) در زمینه حدیث به فعالیت پرداختند.

۱. برادران رسته: عبیدا. . . بن عمر بن یزید زهری و عبدالرحمن بن عمر و عبدا. . . بن عمر از خاندان مشهور رسته از شاگردان یحیی بن سعید قطان بودند (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲، ۲۰۸: ابن‌حبان، ۱۳۹۳: ۸، ۳۸۱: رازی، ۱۲۷۱: ۵، ۲۳۶)۲. ابوعمر عامر بن اسید واضحی (سمعانی، ۱۳۸۲: ۱۳، ۲۶۶: ابن‌اثیر، بی‌تا: ۳۴۸، ۳)۳. ابومحمد عبدا. . . بن محمد اصفهانی البراد (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲، ۳۳۲)۴. ابوصالح عقیل بن یحیی طهرانی (ابن‌حبان، ۱۳۹۳: ۸، ۵۲۵: ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۱۲، ۱۴۴). این راویان اصفهانی پس از آن به انتقال آموزه‌های یحیی بن قطان مشغول شدند.

ابوداود طیالسی (م ۲۰۴هـ)

ابوداود طیالسی از اساتید مشهور بصره بود که به اصفهان سفر کرد و به محدثان اصفهان حدیث آموخت. او برای آنها مجالس املا برگزار کرد و خود نیز از مشایخ معروف اصفهان بهره برد (ابن‌حبان، ۱۳۹۳: ۸، ۲۷۵). او در حلقه درسی که در اصفهان تشکیل داد چهار هزار حدیث را برای طالبان علم حدیث از حفظ بیان کرد. این شیوه توسط محدثان ثقه و مورد اعتماد انجام می‌شد و محدثانی که دانش آنها کمتر بود از او سوال می‌کردند تا از صحت روایات خود توسط این محدثان برجسته مطلع شوند (خطیب‌بغدادی، ۱۴۱۷: ۹، ۲۶۳: سمعانی، ۱۳۸۲: ۹، ۱۱۴: قضاة، ۱۴۱۹: ۴۴۷). طیالسی صاحب اثری مشهور به نام مسند بود. از دیگر شاگردان مشهور او در اصفهان می‌توان افراد زیر را نام برد:

۱. ابوبشر یونس بن حبیب، از مروجان مسند ابوداود طیالسی در اصفهان و مهم‌ترین شاگرد وی (ابن‌حبان، ۱۳۹۳: ۲، ۲۹۰: ذهبی، ۱۴۰۵: ۹، ۳۸۲) و از دانشمندان مشهور در اصفهان بود به

طوری که حمزه اصفهانی از او روایت حدیث کرده است. او در اصفهان جایگاهی معتبر داشت تا جایی که معتز (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲، ۳۲۴) خلیفه عباسی به او نامه می‌نوشت (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲، ۳۴۶). یونس بن حبیب مسند استادش ابوداود طیالسی را در اصفهان انتشار داد (زبیدی، بی‌تا: ۵۱: ذهبی، ۱۴۰۵: ۱۲، ۵۹۶). ۲. ابوصالح عقیل بن یحیی طهرانی (ابن حبان، ۱۳۹۳: ۸، ۵۲۵: ابن جوزی: ۱۴۱۲: ۱۲، ۱۴۴). ۳. حسن بن عطا بن یزید شاذویه که در منابع شیعه معرفی شده است. این مساله نشانه ارتباطات و تعامل شیعه و اهل سنت می‌باشد (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱، ۲۵۲). ۴- حسین بن حسن بن مهران مکتب (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱، ۲۳۴: ذهبی، ۱۴۱۳: ۱۹، ۱۱۹). ۵- ابویحیی احمد بن عصام پسرخواهر محمد بن یوسف اصفهانی معروف به عروس زهاد بود (رازی، ۱۲۷۱: ۲، ۶۶: ابن منده، ۱۴۰۶: ۱۶۹). وی از اساتید بزرگ اصفهان شد. خاندان عصام از خاندان‌های دانشمند و مشهور اصفهان بودند. ۶. عبدالله بن سلیمان سجستانی پسر سلیمان بن اشعث از شاگردان یونس بن حبیب و حافظ سی هزار حدیث بود (ذهبی، ۱۴۱۳: ۲۰، ۲۰۹: ابن عماد حنبلی، ۱۴۰۶: ۳، ۲۸۹). ۷. ابو عبدا. . محمد بن عمر بن یزید زهری و برادرش عبدالله و محمد بن عبدالله رسته و حسن بن عبدالرحمن بن یزید (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲، ۱۸۷). خاندان عصام نیز با داشتن ارتباط علمی با خاندان رسته غیر مستقیم از دانش ابوداود طیالسی و بکر بن بکار استفاده کردند. ۸. علی بن یونس ابان (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲، ۳۹۳). ۹. ابوسعید عبدالوهاب بن زکریا عموی عبدا. . بن محمد زکریا (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲، ۳۷۶). ۱۰. علی بن بشر اصفهانی اموی (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲، ۳۶۲). ۱۱. ابوعثمان یسار بن سمیر (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱، ۹۳). ۱۲. ابومحمد مسعود بن یزید قطان، شاگردان او احمد بن حسین انصاری، محمد بن یحیی منده، محمد بن احمد زهری، علی بن صباح و محمد بن عمر جورجیری بودند. این شاگردان به واسطه کسب علم حدیث انتقال دهنده حدیث طیالسی به شاگردان بعد از خود بودند (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲، ۳۱۹). ۱۳. احمد بن یحیی بن منذر سعدی (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱، ۸۷). ۱۴. ابوحفص عمرو بن سعید حمال (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳، ۴۴). ۱۵. ابوجعفر محمد بن اسحاق مسوحی (م ۲۷۳هـ) از حفاظ اصفهان (رازی، ۱۲۷۱: ۷، ۱۹۶). ۱۶. ابو عبدالله محمد بن اسد مدینی که شاگردان او ابواحمد عسال، طبرانی، ابوشیخ اصفهانی

و احمد بن بندار بودند (طبرانی، ۱۴۰۵: ۲، ۱۳۳: اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲، ۲۳۳). ۱۶. ابوعبدالله محمد بن اسد مدینی که شاگردان او ابواحمد عسال، طبرانی، ابوشیخ اصفهانی و احمد بن بندار بودند (طبرانی، ۱۴۰۵: ۲، ۱۳۳: اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲، ۲۳۳). ۱۷. احمد بن فرات بن ضبی (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱، ۸۲) ۱۸. اسید بن عاصم و محمد بن عاصم ثقفی (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱، ۲۲۶). ۱۹. اسحاق بن فیض بن محمد (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱، ۲۱۵) ۲۰. اسماعیل بن یزید مردانیه (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲، ۳۲۲). ۲۱. احمد بن عمرو بن ضحاک (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱، ۱۰۱) ۲۲. سلیمان بن احمد طبرانی ۲۳- عبد الله بن بندار ۲۴. عبد الله بن محمد بن نعمان بن عبدالسلام (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲، ۵۶) ۲۵. محمد بن عامر (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲، ۲۵۷) ۲۶. محمد بن علی فرقدی (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲، ۲۴۱) ۲۷. عمرو بن شهاب طارق (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲، ۳۱) ۲۸. احمد بن یحیی حجاج (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱، ۱۰۹) ۲۹. ابراهیم بن حجاج ابهری (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱، ۱۷۷). همان طور که ذکر شد دانشمندان و محدثان و افراد برجسته اصفهان از محضر طرابلسی که شاگرد شعبه بن حجاج و دنباله‌رو دقت و حساسیت‌های او بودند، دانش حدیث را فرا گرفتند و به انتشار وسیع آموزه‌های او پرداختند (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۱، ۱۶۱).

بکر بن بَکَّار (م ۵۲۳۰هـ)

بکر بن بکار قبل از آمدن به اصفهان در محضر دانشمندان و مشایخی همچون شعبه بن حجاج، سفیان ثوری، هشام الدستوانی بصری، حماد بن زید و دیگر بزرگان به فراگیری این دانش پرداخت (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲، ۵۱: عسقلانی، ۱۳۹۰: ۴۸، ۲). از بین استادان برجسته او حماد بن زید چهار هزار حدیث از حفظ داشت و هیچ گاه خطا نمی‌کرد (رازی، ۱۳۷۱: ۱۷۶، ۱). نام بکر بن بکار قیسی بصری در سلسله اسناد راویان و طالبان علم در اصفهان فراوان دیده می‌شود. او در سال ۵۲۰۶ هـ به اصفهان آمد و در اصفهان ماندگار شد (ابن حبان، ۱۳۹۳: ۸، ۱۴۶). او توسط برخی عالمان رجال توثیق نشده و برخی نیز او را توثیق کرده‌اند (نسائی، ۱۳۹۶: ۲۵). از تالیفات او جزء مشهوری به نام جزء العالی بود (ابن معین، ۱۳۹۹: ۲۰۹، ۴: بخاری، بی‌تا: ۲، ۸۸: عسقلانی، ۱۳۹۰: ۴۸، ۲). جزء از کتابهای بدون عنوان بود و از قرن سوم به بعد جایگزین اصطلاحات مبهمی مانند

کتاب، صحیفه و نسخه شد. در قرون بعد این جزءها به کتابهای بزرگ تبدیل شد (کتانی، ۱۴۲۱: ۱۳۷، ۱). ا. ولین جزء که در اصفهان تهیه شد جزء محمد بن عاصم ثقفی اصفهانی (م ۲۶۲هـ) و جزء احمد بن عصام (م ۲۷۲هـ) بود (ذهبی، ۱۴۱۹: ۷۷، ۲). بنابراین سی سال بعد از بصره جزءنویسی در اصفهان آغاز شد. از جمله شاگردان او می‌توان به این محدثان اشاره کرد:

۱. ابراهیم بن عمر جروءانی حافظ (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۸۱، ۱). ۲. ابومحمد عبدا. . . بن حسن بن حفص (م ۲۵۴هـ) رئیس و بزرگ اصفهان که با برخی از خلفای عباسی از جمله معتصم (۲۱۸-۲۲۷هـ) و ائمه (۲۲۷-۲۳۲) متوکل (۲۳۲-۲۴۷هـ) مستعین (۲۴۸-۲۵۲هـ) ارتباط داشت و در هنگام ضرورت با او به عنوان رئیس اصفهان مکاتبه می‌کردند (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۹۷، ۲: ابن اثیر، بی تا: ۱، ۵۳۱). ۳. ابوغسان رجاء بن صهیب جروءانی و از افاضل مردم اصفهان و مستجاب الدعوه بود (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۲۳، ۲). ۴. ابوهیثم محمد بن منده بن منصور (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۷۳، ۴: رازی، ۱۲۷۱: ۱۰۷، ۸)، ۵. ابومحمد عبدا. . . بن احمد (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۵۵، ۲). ۵. ابوجعفر محمد بن حسن (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۵۴، ۱۲). ۷. محمد بن ابراهیم بن ابان جیرانی (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲۱۰، ۲). ۸. علی بن عبدا. . . ثقفی (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۵، ۲). ۹. محمد بن نصر بن حبیب (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲۰۹، ۲: ذهبی، ۱۴۱۳: ۴۶۶، ۲۰). ۱۰. ابوالعباس احمد بن خشنام مدینی، که مورد تایید ابن مردویه از بزرگترین دانشمندان و حافظان اصفهان بود (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱، ۹۸). ۱۱. ابوسعید عمران بن عبدالرحیم باهلی (جرار، ۱۴۲۸: ۳۹۱، ۵). ۱۲. ابوعبدالله محمد بن عمر بن یزید زهری و حسن بن عبدالرحمن (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱۸۷، ۲). ۱۳. ابراهیم بن سعدان مدینی که فردی بسیار صادق و مشهور بود و در زمینه حدیث کتابی را به نگارش درآورد (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱۸۶، ۱). ۱۴. علی بن عبدا. . . ثقفی (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۵، ۲). ۱۵. محمد بن عامر بن ابراهیم (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲۵۷، ۲). ۱۶. ابومحمد نصر بن هشام (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۳۳۰، ۲). ۱۷. ابوبشر یونس بن حبیب بن عبد القاهر (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۳۲۴، ۲). ۱۸. حسن بن عطاء بن یزید (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲۵۲، ۱). ۱۹. عثمان بن عمیر بن عثمان بن یزید (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۳۵۹، ۱). ۲۰. عبدالوارث بن فردوس فقیه (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱۳۷، ۲). ۲۱. ابواسحاق ابراهیم بن

احمد(اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱۸۲، ۱) ۲۲. محمد بن خشنام بن عبد الواحد(اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱۵۹، ۲) ۲۳. ابوالعباس احمد بن خشنام بن عبد الواحد مدینی(اصفهانی، ۱۹۳۴: ۹۸، ۱) ۲۴. عبدالله بن محمد بن جعفر بن حیان(اصفهانی، ۱۹۳۴: ۹۰، ۲) ۲۵. یحیی بن محمد مکتب(اصفهانی، ۱۹۳۴: ۳۶۱، ۲) ۲۶. حسین بن هشام معدل(اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲۷۹، ۱) ۲۷. عیسی بن عبدویه (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱۴۶، ۲) ۲۸. خربان بن عبیدالله(اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱، ۳۱۱) ۲۹. محمد بن ابراهیم عاصم زادن(اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲۹۷، ۲).

در قرن‌های بعدی عین الشمس دختر احمد بن ابی فرج امنور ثقفی اصفهانی(م ۱۰۶۱هـ) که در زمان خودش مسنده بود، در کنار کتاب‌های حدیثی دیگران، احادیث بکر بن بکار را از ابن ابی ذر صالحانی شنید(ابن تغری بردی، ۱۳۸۳: ۲۰۹، ۶: ابن عماد حنبلی، ۱۴۰۶: ۷۹، ۷: ذهبی، ۱۴۰۵: ۲۳، ۲۲). دو نفر از خاندان رسته و منده توسط ابراهیم بن عمر بن حفص علم و دانش بصره را فرا گرفتند(ذهبی، ۱۴۱۳: ۶۹، ۱۹). یکی محمد بن احمد بن یزید زهری و دیگری محمد بن یحیی منده از محضر ابراهیم بن عمر بن حفص حدیث شنیدند(اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱۸۱، ۱).

حمید بن مسعدة(م ۲۴۴هـ)

حمید بن مسعدة نیز از محدثان مشهور بصری بود که در سال ۲۴۲هـ به اصفهان سفر کرد(رازی، ۱۲۷۱: ۳، ۲۲۹: اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۹۶، ۲). بسیاری از اساتید یا طالبان علم در اصفهان از محضر درسی حمید بن مسعدة استفاده کردند. نام این استاد و ابوحفص بصری، در اسناد راویان و مشایخ اصفهان بسیار دیده می‌شود. با بررسی منابع رجال و تراجم بیست و هفت نفر از محدثان اصفهان از دانش این دو استاد استفاده کردند و شانزده نفر هم نزد حمید بن مسعدة شاگردی کردند. تأثیر حمید بن مسعدة از حدود سال(۳۲۰-۳۴۱هـ) در آثار دانشمندان و طالبان حدیث اصفهان نمایان بود. حمید بن مسعدة توانست در حدود هفتاد و نه سال در وضعیت علمی اصفهان مؤثر باشد. از جمله شاگردان او در اصفهان می‌توان محدثان زیر را نام برد:

۱. ابوجعفر محمد بن سهل بن صباح(م ۳۱۰هـ) از شاگردان دو استاد برجسته بصری ابوحفص فلاس و حمید بن مسعدة بود. شاگردان ابوجعفر همچون ابوسحاق بن حمزه، ابوالقاسم طبرانی، حافظ

ابوشیخ و ابوبکر بن مقری بودند (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲، ۲۵۵: ذهبی، ۱۴۱۳: ۲۳، ۴۶۷: ۲). ابوعلی حسن بن محمد (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱، ۳(۲۶۹). ابوالعباس احمد بن سهل جیرانی (م ۳۰۱هـ) (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱۲۷، ۱: ابن نقطه، ۱۴۱۰: ۱۹۳: ۲) ۴. ابوبکر محمد بن جعفر ملحمی (م ۳۰۱هـ - ۳۲۰هـ) عسال، ابوشیخ اصفهانی، ابوبکر مقری و محمد بن جعفر از شاگردان او بودند (ذهبی، ۱۴۱۳: ۲۱۷، ۲۳: ۵). ابوحفص عمر بن عبدا. . . بن حسن حفص (م ۳۰۸هـ) او از رؤسای اصفهان در مسائل قضاوت بود. پدر ابونعیم اصفهانی و حافظ ابوشیخ جزو شاگردان او شدند (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۳۵۵، ۱) ۶. ابویعقوب، اسحاق بن محمد مدینی، پس از آن حافظ ابوشیخ و ابواحمد عسال از محضر درس او استفاده کردند (ذهبی، ۱۴۱۳: ۴۰۹، ۲۳). ۷. ابوصالح عبدالرحمن بن احمد زهری از خاندان رسته (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱۱۳، ۲) ۸. ابویعقوب اسحاق بن ابراهیم داود (م ۲۹۱هـ) که شاگردان او ابواحمد عسال و احمد بندار اصفهانی بودند (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲۲۰، ۱: ابن نقطه، ۱۴۱۰: ۱۹۳: ۲). ۹. ابومحمد عبدالله بن عمر بن یزید زهری برادر رسته که محمد بن یحیی منده از شاگردان او بود (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۹۰: ۲). ۱۰. فتح بن ادریس کاتب (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱۵۷: ۲) ۱۱. ابوبکر محمد بن جعفر اشعری ملحمی ۱۲. محمد بن یحیی منده (م ۳۰۱هـ) از روسای خاندان علمی و دینی منده بود. خاندان منده در کنار خاندان حفص ذکوانی، خاندان رسته، خاندان عصام و نوادگان نعمان بن عبدالسلام چندین قرن در جهت فعالیت‌های علمی و دینی گام برداشتند. ۱۳. ابواسحاق ابراهیم بن بندار باطرقانی (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲۲۰، ۱: سمعانی، ۱۳۸۲: ۴۱: ۲) ۱۴. ابراهیم بن اورمه فروخ (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲۹۲: ۱) ۱۵. عبد الله بن محمد بن عمران بن ایوب ۱۶. ابوالعباس محمد بن العباس اخرم (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲۲۴: ۲) ۱۷. ابوعلی حسن بن محمد ثقفی ابهری، از شاگردان عمرو بن علی ابوحفص فلاس بود (م ۲۹۳). مدتی بعد حافظ ابوشیخ اصفهانی از مؤلفان و دانشمند برجسته و ماندگار اصفهان در محضر حسن بن محمد شاگردی کرد و علم و دانش حدیث را از او فرا گرفت (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲۶۶: ۱). ۱۸. ابوهیثم محمد بن منده بن منصور (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲، ۲۱۸) ۱۹. ابوالعباس احمد بن یحیی جروانی (سمعانی، ۱۳۸۲: ۲۵۷: ۳) ۲۰. ابوازهر بشر بن ازهر (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲۳۴: ۱) ۲۱. ابوجعفر احمد بن ابراهیم (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱۲۴: ۱) ۲۲.

ابوجعفر احمد بن حسین انصاری (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱۳۲، ۱). در بین شاگردان این محدث بصری برخی محدثان اصفهان همچون حافظ ابوشیخ، ابوالقاسم طبرانی، ابواحمد عسال و احمد بن بندار مکرر به چشم می‌خورد که می‌تواند خط سیر دانش حدیث بصره را در محدثان دوره بعد دنبال کرد.

عمرو بن علی بن بحر ابو حفص باهلی صیرفی (م. ۲۴۹هـ)

ابو حفص باهلی از حافظان حدیث بصره بود و چندین رحله علمی به اصفهان داشت. تبحر او در علم حدیث باعث شد به سوارکار علم حدیث معروف شود (ابن منجویه، ۱۴۰۷: ۷۳، ۲: ابن خلکان، ۱۹۹۴: ۲۵۶، ۵). او در محضر بزرگانی چون یحیی بن سعید قطان، عبدالرحمن بن مهدی و ابن سیرین که به رعایت جرح و تعدیل حدیث، وسواس داشتند، تعلیم دید (کلاباذی، ۱۴۰۷: ۲، ۵۴۷: دارقطنی، ۱۴۰۵: ۱۲۵، ۸). وی در سال‌های ۲۱۶، ۲۲۴ و ۲۳۶هـ به اصفهان مسافرت نمود و در آنجا نیز برای دانش‌پژوهان حدیث نقل کرد. در حین این سفرها از کمک‌های مالی حسین بن حفص (م. ۲۱۲هـ) از رؤسای دینی و دنیوی اصفهان برخوردار شد. خاندان ثروتمند و برجسته حفص ذکوانی حامی بسیاری از دانشمندان بود (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲۷۵، ۱: ابن حبان، ۱۳۹۳: ۱۸۶، ۸). نام او از حدود سال (۳۳۰-۲۱۴هـ) در سلسله اسناد راویان و محدثان اصفهان ذکر شده است و حدود هشتاد و نه سال بر علم حدیث در اصفهان تأثیرگذار بود. راویانی اصفهانی که نام آنها در این محدوده تاریخی ذکر شده توانستند میراث بصره را به اصفهان منتقل کنند. از محدثانی که از حضور او بهره بردند می‌توان افراد زیر را نام برد:

۱. ابوعلی حسن بن محمد ثقفی (م. ۲۹۳هـ) حافظ ابوشیخ اصفهانی از مؤلفان و دانشمند برجسته و ماندگار اصفهان در محضر او دانش حدیث را فرا گرفت (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲۶۶، ۱) ۲. محمد بن یحیی منده از روسای خاندان منده بود که چندین قرن در اصفهان فعالیت علمی و دینی داشتند. خاندان منده در کنار خاندان حفص ذکوانی خاندان رسته، خاندان عصام و نوادگان نعمان بن عبدالسلام در جهت فعالیت‌های علمی و دینی گام برداشتند. ۳. ابوجعفر محمد بن سهل صباح (م. ۳۱۰هـ) (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲۵۵، ۲) ۴. ابوعلی حسن بن محمد (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲۶۹، ۱) ۶.

ابوالعباس احمد بن سهل جیرانی (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱۲۷، ۱) - ۶ - ابویعقوب، اسحاق بن محمد مدینی (ابن نقطه ۱۴۱۰: ۱۹۳، ۲) ۷. ابراهیم بن بندار باطرقانی (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱، ۲۲۰).

نصر بن علی جهضمی (م ۲۵۰ هـ)

جایگاه علمی و اجتماعی جهضمی را با القابی چون من نبلا الناس، ثقه، حجه آمده است (سمعانی، ۱۳۸۲: ۴۳۶، ۳). پدرش ابوالحسن علی، از راویان مشهور بصره بود (رازی، ۱۲۷۱: ۸، ۴۶۶). از جمله مشایخ وی نوح بن قیس خُدّانی، سفیان بن عُیینه، یحیی قَطّان، ابوداوود طیالسی و... (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۱۳، ۲۸۸) سید بن طاووس، محدث شیعی بودند (ابن طاووس، ۱۴۰۰: ۱۸۴) بودند. کتاب‌هایی با عناوین مختلف چون تاریخ اهل‌البیت من آل رسول، تاریخ اهل‌بیت و کتاب الموالد به جهضمی نسبت داده که درباره تاریخ امامان شیعه است (طهرانی، ۱۴۰۸: ۳، ۲۱۲). از شاگردان نصر جهضمی می‌توان محدثان زیر را نام برد: ۱. احمد بن یحیی عسال (م ۲۸۶ هـ) آموزه‌های او توسط شاگردان اصفهانی او همچون حافظ ابوشیخ اصفهانی، عبدالرحمن بن احمد بن بندار و احمد بن بندار شعار در اصفهان رواج یافت (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱، ۱۰۲). ۲. ابوعبدالله حکم بن معبد خزاعی (م ۲۹۵ هـ) که مولف کتاب السنه بود. ابواحمد عسال، ابوشیخ اصفهانی و طبرانی از شاگردان او بودند (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱، ۲۹۸). ۳. احمد بن ابراهیم باهلی که شاگردانی همچون پدر ابونعیم اصفهانی و محمد بن جعفر یوسف داشت (ذهبی، ۱۴۱۳: ۲۳، ۱۳۳). ۴. ابوعبدالله محمد بن عمرو بن هشام (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲، ۲۵۷)، ۵. ابومحمد عبدالله بن احمد بن اسید که دارای مسند بود. شاگردان او ابوشیخ اصفهانی، احمد بن بندار شعار، محمد بن احمد هیسانی و ابوبکر طلحی بودند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۹، ۳۸۸).

ابوبکر احمد بن عمرو بن ابی عاصم (م ۲۸۷ هـ)

ابوبکر بن ابی عاصم از فقیه‌ترین مردم بصره و حافظ، محدث بن محدث بن محدث بود (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵: ۵، ۱۰۵). منصب قضاوت اصفهان را پس از صالح بن احمد بن حنبل در حدود ۴۲ سال بر عهده داشت. کتاب السنه فی احادیث الصافت علی طریق السلف از مهم‌ترین کتاب‌های اهل سنت و جماعت بود و با نگاشتن این کتاب بزرگ از داعیان و مدافعان عقیده سلف

بود. او از پیروان مذهب ظاهری بود که مراد از آن، نهایت تعهد و پایبندی به حدیث و نادیده گرفتن قیاس و رأی است. در حدیث، کتاب به رشته تحریر در آورده بود (ابن ابی عاصم، ۱۹: 1424). تعداد شاگردان ابن ابی عاصم در ذکر اخبار اصفهان از ابو نعیم اصفهانی به سی و یک نفر می‌رسد. از جمله شاگردان او در اصفهان می‌توان از افراد زیر نام برد: احمد بن جعفر بن معبد (اصفهانی، ۲: 1934، ۲۱۰) عبدالرحمن بن محمد بن سیاه، احمد بن بندار اسحاق و نام این افراد در ذکر اخبار اصفهان آمده است (اصفهانی، 1: 1934، 101).

ابومسلم ابراهیم بن عبدالله بصری (م ۲۹۲ هـ)

ابومسلم ابراهیم بصری نیز از محدثان بصره بود و محدثان اصفهان از محضر او استفاده کردند. از شاگردان او می‌توان افراد زیر را نام برد. مسلم بن ابراهیم نیز یکی دیگر از محدثان بصری بود که شاگردانی از اصفهان داشت. از جمله این شاگردان می‌توان به احمد بن یحیی بن منذر (اصفهانی، ۱: 1934، 87) ابوجعفر محمد بن اسحاق مسوحی (اصفهانی، 2: 1934، 222) ابوسعید عمران بن عبدالرحیم باهلی بودند (جرار، ۵: 1428، ۳۹۱). اسامی شاگردان دیگر او در ذکر اخبار اصفهان وجود دارد.

نتایج پژوهش

عوامل مهمی در ارتباط علمی بین محدثان اصفهان و بصره نقش داشت، مثل: موقعیت جغرافیایی، تشابه فضای فکری و علمی بصره و اصفهان که حامی اهل سنت بودند. حضور فراوان صحابه، حفاظ حدیث و راویانی که در سلسله اسناد روایات صحاح سته نقش داشتند، از دیگر علل موثر بود. دقت در جرح و تعدیل و اسناد حدیث نشان توانمندی رجال بصری در این دانش می‌باشد. از طرف دیگر حضور عبدالرحمن بن مهدی، ابوداود طیالسی، بکر بن بکار، حمضی و برخی دیگر در سلسله اسناد محدثان اصفهانی بیانگر نقش چشمگیر آنها در دانش حدیثی اصفهان می‌باشد. خاندان رسته هزاران حدیث از محدثان بصری فراگرفتند. طیالسی و بکر بن بکار نیز احادیث متعددی در مجالس املائی حدیث در اصفهان نقل کردند. نام ابوحفص باهلی بصری، در سلسله روایات محدثان اصفهان تا هشتاد و نه سال و حمید بن مسعود تا هفتاد و نه سال بعد نیز

دیده می‌شود. محدثان اصفهانی که از شاگردان بصری بودند، این دانش را به دیگران منتقل کردند به طوری که نام مشایخ بصری در آثار محدثان نسل بعد به وفور مشاهده می‌شود. از جمله شاگردان مشهور و صاحب تالیف می‌توان به محمد بن یحیی منده، ابواحمد عسال، طبرانی، ابوشیخ اصفهانی، احمد بن بندار، خاندان عاصم و عصام و... اشاره کرد. کتاب طبقات المحدثین ابوشیخ اصفهانی، ذکر اخبار اصفهان ابونعیم اصفهانی، معجم‌های سه گانه طبرانی و آثاری که دانشمندان خاندان مشهور منده در اصفهان تالیف کردند، مملو از حجم بسیار از احادیث محدثان بصری بود. این آمارها و تالیفات بیانگر تاثیرگذاری دانش حدیث بصره بر مشایخ اصفهان است.

فهرست منابع و مطالعات

- ابن ابی عاصم، (۱۴۲۴)، الدیات، عبدالمنعم زکریا، ریاض، دار الصمیعی.
- ابن اثیر، عزالدین علی (بی تا)، اللباب فی تهذیب الانساب، بیروت، دارصادر.
- ابن تغری بردی، یوسف، (۱۳۹۲)، النجوم الزاهره فی الملوک مصر والقااهره، مصر، دارالکتب.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (۱۴۱۲)، المنتظم، محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن حبان، محمد، (۱۳۹۶)، المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین، محمود ابراهیم زاید، حلب، دالوعی.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۲۶)، مقدمه ابن خلدون، ابو عبدالله سعید المنده، مکه، موسسه الکتب الثقافیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۰۸)، دیوان المبتدا و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصره ممن ذوی الشان الاکبر، تحقیق خلیل شحاده، بیروت، دارالفکر.
- ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدین، (۱۹۰۰)، وفيات الاعیان، بیروت، دارصادر.
- ابن سعد، محمد بن سعد، (۱۴۱۰)، طبقات الکبری، محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن طاوس، علی بن موسی (۱۴۰۰)، الطرائف فی معرفه مذاهب الطرائف، علی عاشور، قم، خیام.
- ابن عساکر، علی بن حسن، (۱۴۱۵)، تاریخ دمشق، عمرو بن غرامه العمروی، دارالفکر للطباعه و نشر والتوزیع.
- ابن عبدربه، احمد بن محمد، (۱۴۰۴)، عقد الفرید، بیروت، دارالکتب العلمیه.

ابن عماد حنبلی، شهاب الدین، (۱۴۰۶)، شذرات الذهب، تحقیق الارناووط، بیروت، دارالکثیر.

ابن معین، یحیی بن معین، (۱۳۹۹)، تاریخ ابن معین، احمد محمد نور سیف، مکه، مرکز بحث علمی و الحیات التراث الاسلامی.

ابن منجویه، احمد بن علی، (۱۴۰۷)، رجال صحیح مسلم، عبدالله الیشی، بیروت، دارالمعرفه.

ابن منده، اسحاق بن محمد، (۱۴۰۶) الايمان، بیروت، موسسه الرساله.

ابن نقطه، معین الدین، (۱۴۰۸)، التقیید لمعرفة رواه السنن و المسانید، کمال یوسف حوت، بی‌جا، دارالکتب العلمیه.

احمد، منیرالدین، (۱۳۸۴)، نهاد آموزش اسلامی، محمد حسین ساکت، تهران، نگاه معاصر.

اصفهانى، عبدالله بن محمد، (۱۴۱۲)، طبقات المحدثین باصبهان و الواردین علیها، البلوشی عبدالغفور عبدالحسین، بیروت، موسسه الرساله.

اصفهانى، احمد بن عبدالله (۱۴۱۲-۱۹۳۴)، ذکر اخبار اصبهان، حسن سیدکسروی، بیروت، دارالکتب العلمیه.

الکتانی، محمد (۱۴۲۱)، رساله المستطرفه لبيان مشهور كتب السنه المشرفه، محمد منتصر بن محمد الزمومی، بیروت، دارالبشائر الاسلامیه.

بخاری، محمد بن اسماعیل (بی‌تا) التاريخ الكبير، محمد عبد المعید خان، حیدر آباد، دائرة المعارف العثمانیه.

بلات، شارل، (۱۹۶۱)، جاحظ فی البصره و بغداد و سامراء ابراهیم کیلانی، دمشق، دارالیقظه.

بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۹۸۸)، فتوح البلدان، بیروت، دارمکتبه هلال.

پاکتچی، احمد، (۱۳۹۱)، پژوهشی پیرامون جوامع حدیثی اهل سنت، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

جدیدی نژاد، محمدرضا، (۱۳۸۱)، دانش رجال از دیدگاه اهل سنت، قم، دارالحدیث.

جرّار، سعد الدین سلیم، (۱۴۲۸)، الإیفاء إلى زوائد الأمالی والأجزاء، زوائد الأمالی والفوائد والمعاجم والمشیخات علی الكتب الستة والموطأ ومسنند الإمام أحمد، ریاض، أضواء السلف.

حموی، یاقوت بن عبد الله (۱۳۹۹)، معجم البلدان، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.

خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، (۱۴۱۷)، تاریخ بغداد و ذیوله، مصطفی قادرعبدعطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.

- خطیب‌بغدادی، احمد بن علی، (۱۳۹۵)، الرحله فی طلب الحدیث، نورالدین عترة، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- خلیلی، خلیل بن عبدالله، (۱۴۰۹)، الارشاد فی معرفه العلماء الحدیث، د. محمد سعید عمر ادريس، ریاض، مکتبه الرشد.
- دارقطنی، ابوالحسن علی بن عمر، (۱۴۰۵)، العلل الوارده فی الأحادیث النبویه، محفوظ الرحمن السلفی، ریاض، دارطیبه.
- دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، (۱۴۳۴)، مسند دارمی، نبیل هاشم الغمری، بیروت، دارالبشائر.
- ذهبی، شمس‌الدین، (۱۴۱۳)، تاریخ اسلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی.
- (۱۴۰۵)، سیر اعلام النبلا، محقق شعیب الارناووط، بی‌جا، موسسه الرساله.
- (۱۳۸۲)، میزان الاعتدال، تحقیق محمد علی البجاوی، بیروت، دارالمعرفه للطباعه و النشر.
- (۱۴۱۹)، تذکره الحفاظ، بیروت، دارالکتب العلمیه .
- رازی، ابن‌ابی حاتم، (۱۲۷۱)، جرح و تعدیل، بیروت، دارالاحیا التراث العربی.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد، (۱۳۸۲)، الانساب، عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی، حیدرآباد، مجلس دائره المعارف الاسلامیه.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۳۹۲)، طبقات الحفاظ، قاهره، مکتبه الوهبه.
- شانواز، بلال، مجید متشلو، (۱۳۹۴)، بررسی جایگاه مسجد جامع بصره از تاسی تا پایان امویان، تهران، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۲۱، ۶۷-۹۲.
- صالح، احمد‌العلی، (۱۹۶۹)، التنظیمات الاجتماعیه و الاقتصادیه فی البصره فی قرن اول هجری، بیروت، دارالطبیعه للطباعه و النشر.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، (۱۴۰۵)، معجم صغیر، بیروت، المکتب الاسلامی.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷)، تاریخ الرسل و الملوک، بیروت، دارالتراث.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۷)، الفهرست، شیخ جواد قیومی، قم، نشر الفقاهه.
- طهرانی، آقابزرگ، (۱۴۰۸)، الذریعه الی تصانیف الشیعہ، قم، اسماعیلیان.
- عسقلانی، احمد بن علی، (۱۳۹۰)، لسان المیزان، محقق دایره‌المعارف النظامیه، بیروت، موسسه‌الاعلمی للمطبوعات.

_____ (۱۴۱۵)، الاصابه فی تمییز الصحابه، عادل احمد عبدال موجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه.

قضاة، امین، (۱۴۱۹)، مدرسه الحدیث فی بصره حتی قرن ثالث هجری، بیروت، دار ابن حزم.

کلینی، محمد (بی تا)، الکافی، علی اکبر غفاری و آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

کلاباذی، احمد بن محمد، (۱۴۰۷)، الهدایة والإرشاد فی معرفه أهل الثقة والسداد، عبدالله اللیثی، بیروت، دارالمعرفه.

ماسینیون، لویی، (۲۰۰۹)، خطط کوفه و شرح خریطیها، تقی بن محمد المصعبی، شرکه الوارق للنشر المحدوده.

متز، آدام، (۱۳۶۴)، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، امیرکبیر.

مقریزی، احمد بن علی، (۱۴۱۸)، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الاثار، بیروت، دارالکتب العلمیه.

موتسکی، هارالد، (۱۳۸۹)، خاستگاه و سیر تطور حدیث اسلامی، مرتضی کریمی نیا، قم، دارالحدیث.

مهدوی، مصلح الدین (۱۳۸۲)، مزارات اصفهان، اصغر منتظرالقائم، اصفهان، دانشگاه اصفهان.

نسائی، احمد بن شعیب، (۱۳۹۶)، ضعفا و المتروکون، محمود ابراهیم زاید، حلب، دارالوعی.

هوشمند، مهدی (۱۳۸۰)، پژوهش های حدیثی در بصره تا قرن سوم هجری، «علوم حدیث»، قم، شماره ۲۲، ۱۲۴-۱۳۳.